



پیام رهبر انقلاب اسلامی در پی مشکلات ناشی از یازندگی های شدید در جنوب شرقی کشور

دستگاه های دولتی و مجموعه های مردمی به یاری مردم بشتابند

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: در پی مشکلات پدیدآمده از یازندگی های شدید در سیستان وبلوچستان و برخی نقاط جنوب شرقی کشور، حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی دستگاه های دولتی و ...

صفحه ۲

سه شنبه ۲۴ دی ۱۳۹۸ | ۱۸ جمادی الاول ۱۴۴۱ | ۱۴ ژانویه ۲۰۲۰



کمیسیون تلفیق مجلس میزان پاداش مدیران دولتی را ۱۰ برابر حقوق حداقل بگیران تعیین کرد

ترفند دریافت پاداش های میلیاردی

صفحه ۴



بررسی عملکرد یک ساله رئیسی در گفت وگو با نعمت احمدی

چالش های پیش روی رئیس قوه قضائیه

صفحه ۶

تأکید ریبهی بر پی خبری روحانی

از علت سقوط هواپیما

ساختار معیوب اطلاع رسانی به مقامات باید اصلاح شود

گروه سیاست: سخنگوی دولت این هفته نشست خبری خود را در حالی برگزار کرد که ایران داغدار مسافران هواپیمای اوکراینی است. در کنار تریبون سخنگو چند شمع روشن بود...

صفحه ۳



سرمقاله

حقوق بین الملل و شهادت سردار

سیدعلی خرم - استاد حقوق بین الملل



شهادت مظلومانه سردار قاسم سلیمانی و آثار و تبعات وسیع آن در منطقه و جهان، همه نگاه ها را به سوی حقوق بین الملل متوجه کرد که چه واکنشی نشان می دهد و چه نسخه ای می پیچد. چنانچه قرار باشد پاسخی نسبتا روشن از منظر حقوقی به مسئولان امر و مردم کشورمان که خود را در سوگ ازدست دادن آن شهید شریک می دانند داده شود، در چندین بخش می توان مطرح کرد. اولین منظر، منظر حقوق بین الملل است. ابتدا باید اذعان کرد همان طور که دونالد ترامپ و سایر مقامات آمریکایی گفته اند، این سوء قصد اقدامی فراقضائی و خودسرانه بوده که تنها قاضی و تصمیم گیرندگان آن، شخص دونالد ترامپ، مایک پمپئو و مارک اسپر (وزیر دفاع) بوده اند. کاخ سفید به فاصله کوتاهی از این حمله، در بیانیه ای به صراحت مسئولیت حمله را پذیرفت و آن را «دفاعی قاطع به منظور ارباب ایرانیان برای حملات آتی» دانست. توبیت های بعدی ترامپ نیز به صراحت مؤید قصد قبلی و اصرار آمریکا به قتل سردار سلیمانی بود. ترامپ در آخرین توبیت خود، ضمن مسئول دانستن سردار قاسم سلیمانی برای مرگ سربازان آمریکایی و میلیون ها انسان بی گناه نوشت: «او باید سال ها پیش از این حذف می شد». موضوع ادعایی ترامپ در هیچ دادگاه منصف و بی طرف بین المللی و با ارائه مدارک و مستندات مربوط به جرم، بررسی نشد و حکمی صادر نشده است. این اقدام در تاریخ روابط بین الملل بی نظیر است و تاکنون دیده و شنیده نشده است که رئیس جمهور یک کشور، دستور رسمی ترور مقامات عالی رتبه کشورهای دیگر را در کف خیابان و بدون موقعیت عملیات نظامی صادر کند. از منظر بین المللی، چنین اقدام و سوء قصدی، جنایتی مسلم و منظر تروریسم دولتی است که بر زور و فتنه تفنگ متکی است. شخص ترامپ و بقیه مقامات آمریکایی باید پاسخگوی جامعه بین المللی باشند. نظامیان آمریکایی نیز در این عملیات قاتل و مجرم هستند و از نظر حقوقی مسئولیت جزایی دارند. عناصر نظامی آمریکا حق اجرای دستور مجرمانه ترامپ را نداشتند؛ چون عملیات آنها در موقعیت نظامی و دفاعی نبوده و دستور خودسرانه یک مقام سیاسی برطرف کننده مسئولیت کیفری نظامیان در معاونت جرم نمی شود. آنها که در سراسر جهان با عبارات مستقیم یا غیرمستقیم از این جنایت حمایت کرده و می کنند، به دلیل خوش خدمتی به آمریکا با ماهیت جنایت کارانه خود، خود را «مشوق جرم» و آلوده به تروریسم دولتی کرده و مستوجب عقوبت با تلافی در آینده خواهند بود. سازمان ملل متحد با عنایت به اینکه طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، همه اعضای جامعه بین المللی را از اعمال هرگونه تهدید یا زور در قبال تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگر اعضا بر حذر داشته و ممنوع اعلام کرده است، بلافاصله از گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر خود در زمینه اقدام های فراقضائی و خودسرانه، یعنی خانم اکس کالامارد، خواست به صراحت موضع گیری کند. آن گزارشگر ویژه در فاصله چند ساعت از سوء قصد، تأکید کرد: «سوء قصد آمریکا در عراق علیه سردار سلیمانی و یک مقام نظامی دیگر عراقی، به احتمال زیاد غیرقانونی و خلاف حقوق بین الملل است». از سوی دیگر، آن طور که قانون گذاران آمریکا می گویند، رئیس جمهور آمریکا قوانین داخلی آمریکا را نیز نقض کرده و بدون رعایت قانون اساسی و مجوز کنگره، مرتکب قتل شده و طبق قوانین داخلی آمریکا نیز او مجرم است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

سهام دیگران در فاجعه سقوط بویینگ

شریک بدانیم؟ سردار سلامی در توضیحات خود در مجلس، به نکته ظریف ولی دردناک دیگری اشاره کردند و آن بی خوابی مغرط خود و همکارانشان به مدت چندین شبانه روز بود تا بلکه بتوانند مأموریت سنگین و فوری خود را در شرایط صعب، دشوار و بسیار پیچیده ای که تشریح کردند، به درستی به انجام برسانند. کسانی که در امور اجرایی یا حداقل در زندگی روزمره، مثلا وقتی عزیزشان کارش به اوزانس بیمارستان کشیده شده، و به ناچار در معرض چنین تجربه سخت، جانکاه و بی خوابی قرار داشته اند، خوب درک می کنند که معنای این وصف سردار از وضعیت روانی و جسمی ایشان و همکارانشان چیست! مگر بشر در چنین مواقعی قادر به مدیریت صحیح تمام جزئیات امور جانبی پیچیده به نگرش جامع به کل مسائل و حاشیه هایی مانند توجه به تجربه سخت، جانکاه و بی خوابی قرار داشته اند، پروازهای داخلی و خارجی آن هم در نقاط حساس و تجزیه و تحلیل بسیار دقیق میزان ریسک های پیدا و پنهان هریک از این دو گزینه ها، آن هم در بازه زمانی بسیار کوتاه و فشرده هست؟ آیا چنین ظرفیتی به طور کامل وجود داشت؟ روشن است که چنین توانی در شرایط عادی نیز کار ساده ای نیست؛ چه رسد به شرایط ویژه ای که ایشان و کل تیم درگیر در این پروژه در آن قرار داشتند. آیا منطقی و منصفانه است که چنین توقعی داشته باشیم؟ وقتی ما مردم شعاع انتقام سریع، کوبنده و کاملاً موفق و آن هم بدون هیچ گونه پیامد منفی ناشی از اقدام تلافی جویانه ترامپ را مطالبه می کنیم و مرتب صداوسیما آن را در بوق و کرنا می کند و افراد و شخصیت ها در تریبون ها

به آسانی آب خوردن ما را فریب می دهد، بدون اینکه لزوماً متوجه شویم. با این مقدمه کوتاه، اگر بخواهیم ردپای عامل مهم در این رویداد تلخ تاریخی را در کنار سایر علل و عوامل به میان بکشیم، باید بی مجامله و رودربایستی گفت در حقیقت نیروهای مسلح و سرداران عزیز ما، در برابر حادثه ترور سردار شهید سلیمانی از ناحیه نحوه تبلیغات رسانه ملی و تریبون داران ضربه خوردند. اگر به اظهارات سردار سلامی، فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (که من را به شدت متأثر کرد) دقت کنید، ایشان اذعان می کنند که تحت فشار سنگین افکار عمومی برای گرفتن انتقام از شرارت آمریکا بودیم (نقل به مضمون). خب وقتی انتظارات مردم را برای واکنش فوری، مؤثر و صلابته صد درصد موفقیت آمیز، تقویت و تشدید می کنیم و به جای مدیریت درست و عاقلانه افکار عمومی و فضای به شدت عاطفی، زخم خورده و جریحه دار جامعه، این فشار را بر عوامل اجرایی آن یعنی سپاه پاسداران و نیروهای مسلح پمپاژ و به نوعی غیرمستقیم تحمیل می کنیم، آیا عواقب و پیامدهای آن را نیز اساساً قابل تصور و محاسبه می دانیم؟ اگر توقع داریم نیروهای مسلح ما در برابر بزرگترین ارتش دنیا که از سوی سایر قدرت های شریر جهانی و منطقهای حمایت می شود، قادر باشند آن انتقام سخت را به خوبی و خوشی و آن هم «بسیار فوری» به مرحله اجرا درآورند، آیا هیچ احتمال نمی دهیم در این فرایند سخت و بسیار دشوار، اگر به موفقیت نهای است تابع حقایق عینی باشیم و نه ذهنیت بر ساخته خودمان، چه باید بکنیم؟ دستگاه شناختی ما انسان ها

به آسانی آب خوردن ما را فریب می دهد، بدون اینکه لزوماً متوجه شویم. با این مقدمه کوتاه، اگر بخواهیم ردپای عامل مهم در این رویداد تلخ تاریخی را در کنار سایر علل و عوامل به میان بکشیم، باید بی مجامله و رودربایستی گفت در حقیقت نیروهای مسلح و سرداران عزیز ما، در برابر حادثه ترور سردار شهید سلیمانی از ناحیه نحوه تبلیغات رسانه ملی و تریبون داران ضربه خوردند. اگر به اظهارات سردار سلامی، فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (که من را به شدت متأثر کرد) دقت کنید، ایشان اذعان می کنند که تحت فشار سنگین افکار عمومی برای گرفتن انتقام از شرارت آمریکا بودیم (نقل به مضمون). خب وقتی انتظارات مردم را برای واکنش فوری، مؤثر و صلابته صد درصد موفقیت آمیز، تقویت و تشدید می کنیم و به جای مدیریت درست و عاقلانه افکار عمومی و فضای به شدت عاطفی، زخم خورده و جریحه دار جامعه، این فشار را بر عوامل اجرایی آن یعنی سپاه پاسداران و نیروهای مسلح پمپاژ و به نوعی غیرمستقیم تحمیل می کنیم، آیا عواقب و پیامدهای آن را نیز اساساً قابل تصور و محاسبه می دانیم؟ اگر توقع داریم نیروهای مسلح ما در برابر بزرگترین ارتش دنیا که از سوی سایر قدرت های شریر جهانی و منطقهای حمایت می شود، قادر باشند آن انتقام سخت را به خوبی و خوشی و آن هم «بسیار فوری» به مرحله اجرا درآورند، آیا هیچ احتمال نمی دهیم در این فرایند سخت و بسیار دشوار، اگر به موفقیت نهای است تابع حقایق عینی باشیم و نه ذهنیت بر ساخته خودمان، چه باید بکنیم؟ دستگاه شناختی ما انسان ها



مهرنوش جعفری مدیرکل مطبوعات داخلی دولت اصلاحات

فاجعه تاسف بار سقوط هواپیمای اوکراینی و روند اطلاع رسانی این حادثه، همکار را در بهت، حیرت و تأثر شدیدی فروبرده است. جا دارد برای تحلیل آن، تلاش کنیم روند حوادث را در پس زمینه های پیدا و پنهان آن ببینیم تا بلکه از آن درسی را بگیریم که تاکنون نگرفته ایم. این نوشته به معنای این نیست که در نظام های سیاسی دنیا، اثری از وقایع مشابه در زمینه رویکرد نادرست در فهم و تحلیل مسائل (سوگیری) و همچنین اطلاع رسانی رویدادها نیست و کشور ما از این حیث رکورددار است. این معضل، اپیدمی است و موارد حادث آن در سایر ممالک به وفور یافت می شود. مثلاً به تازگی معلوم شده دولت آمریکا سال هاست گزارش کاملاً خلاف واقع و وارونه ای از موفقیت های ادعایی اش در افغانستان ارائه می داده است. این نوشته همچنین درصدد تیرنه منتقدان و مخالفان حکومت از این اپیدمی نیست و بنابراین با آنان که از سر انتقام، کینه جویی و تشفی جستن علیه دولت و نظام اسلامی با این واقعه تلخ مواجه شده اند، هیچ همدلی ای ندارد.

این نوشته قصد دارد روشن کند یکی از علل توسل جستن بشری به پنهان کاری چیست؟ و اگر قرار است تابع حقایق عینی باشیم و نه ذهنیت بر ساخته خودمان، چه باید بکنیم؟ دستگاه شناختی ما انسان ها

تیترا

الگوی رد و تأیید صلاحیت اصولگرایان در شورای نگهبان چیست؟

ردشدگان دیروز تأییدشدگان امروز

صفحه ۲

همکاری بریتانیا با اوکراین و کانادا درباره سقوط هواپیمای اوکراینی

صفحه ۱۵

گفت وگو با کمال اطهاری

تاخت زنی پروژه برای رأی

صفحه ۵

آزمون «ایرانیزه» شدن

تکرار یک اشتباه جذاب از سوی یحیی

صفحه ۱۴

دادستان دیوان در گفت وگو با «شرق»

ورود دیوان محاسبات ممنوع

صفحه ۸

رقابت یک طرفه

صفحه ۲

حرف اول

کدام سیاست صنعتی؟

حسین حقگو - کارشناس اقتصادی



آیا صنعت، سیاست مشخصی را دنبال می کند و آیا تکلیف نحوه تعامل و ارتباط با جهان در این سیاست معلوم است؟ به تازگی مشاور ارشد معاون امور صنایع وزارت صنعت، معدن و تجارت در جلسه ای با فعالان اقتصادی و صنعتی در پاسخ به انتقاد از فقدان سیاست صنعتی مشخص در کشور، ضمن رد این ادعا گفت «توسعه صنعتی که رخ داده، ناشی از سیاست صنعتی است که در کشور حاکم بوده است». ایشان همچنین در پاسخ به انتقاد از تناسب نداشتن تصمیم ها و اقدامات صنعتی وزارت صمت در ساخت داخل با سیاست های تجاری و مهم ترین آنها یعنی ضرورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی نیز عنوان کرد «در حال حاضر تبعیت از قواعد تجاری سازمان تجارت جهانی در جهان موضوعیت ندارد» (سایت اتاق تهران- ۹۸/۱/۷). هر دو این پاسخ ها از سوی یک مقام مسئول دولتی نگرانی هایی را برای کارشناسان و صاحبان صنایع ایجاد می کند.

۱- اگر سیاست صنعتی را مداخلاتی بدانیم که «اثرات تعیین کننده مشخصی بر برخی از فعالیت های اقتصادی نسبت به سایر فعالیت ها دارند» (هوسمان، رودریک، ۲۰۰۷) و این سیاست ها مبتنی بر الگوی است که در آن «نقش دولت و بازار در آن تعیین شده و دولت صرفاً نقش تسهیلگری و حمایت (ایجاد فضای رقابتی، تأمین زیرساخت ها، رفع اثرات خارجی و ایجاد هماهنگی میان رشته فعالیت ها) دارد و بخش خصوصی مسئول انجام فعالیت های اقتصادی است» (جاستین بیفولین، ۲۰۱۶)، متأسفانه باید گفت هیچ گاه چنین سیاست راهبردی صنعتی ای در کشور تدوین و اجرا نشده است. البته دوره هایی بوده است (به ویژه در برنامه سوم تا ۷۹ و ۸۴ و دوره دولت اصلاحات) که تا حدی جلوه هایی از وجود یک سیاست صنعتی مشخص را در آن می توان دید که در زمان خود نیز نتایج ارزشمندی بر جا گذاشت؛ اما وجه غالب در سیاست گذاری صنعتی و حتی تجاری کشورمان روش آزمون و خطا و روزمرگی و متأثر از شرایط روز و مقتضیات اقتصادی، سیاسی و امنیتی بوده است. همین ضعف ساختاری سبب شد هم از سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی به شدت کاسته شود (از ۱۹/۹ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۵/۳ درصد در سال ۹۳) و هم صنایع کشور به سمت افزایش سهم صنایع مبتنی بر مواد خام و انرژی بر حرکت کند.

ادامه در صفحه ۴

خبر به وقت شرق



به تلگرام شرق پیوندید

@sharghdaily

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید



۸۸۹۴۲۰۳۵

sharghdaily.ir

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه ۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

الو شرق

۸۸۹۴۸۲۷۳